



نقش مهندسی سپاه در عملیات والفجر ۸

مهندس محمدرضا عطارزاده

تنظیم: حجت‌الله کریمی*

<p>مهندس محمدرضا عطارزاده از مسئولان واحد مهندسی سپاه و فرمانده یگان مهندسی ۴۲ قدر در دوران دفاع مقدس، در اولین دوره انتقال تجارت فرماندهان در دفاع مقدس در دی‌ماه ۱۳۹۴ در یادمان شلمچه ابتدا تاریخچه مختصری از فعالیت واحد مهندسی سپاه در جنگ را از آغاز تا زمان اجرای عملیات والفجر ۸ بیان و سپس به تمهیدات و اقدامات مهندسی برای آماده‌سازی زمینه‌های اجرای عملیات والفجر ۸ اشاره کرد. وی در ادامه تلاش‌ها و اقدامات مهندسی را برای عبور از ارنود توضیح داد. عطارزاده همچنین تحت عنوان اصطلاح "انفجار - تخریب" اقداماتی را که یگان مهندسی برای تخریب موانع دشمن در ساحل غربی ارنود انجام داده بود تشریح و در پایان نیز اقدامات و ابتکارات مختلف مهندسی برای پشتیبانی رزمندگان و برقراری ارتباط بین ساحل شرقی و غربی ارنود در حین عملیات و پس از تصرف شهر فاو را بیان کرد.</p> <p>واژگان کلیدی: محمدرضا عطارزاده، مهندسی، والفجر ۸، انتقال تجارب فرماندهان، دفاع مقدس، دانشگاه امام حسین^(ع).</p>	چکیده		

مهندسی قبل از عملیات والفجر ۸

هم رسوخ کرد و با بهره‌گیری از این توانمندی تیربارچی در خاکریز سعی می‌کرد بهترین سنگر را برای خودش درست کند که راحت بتواند تیراندازی کند. بعضی وقت‌ها هم چند تا سنگر فریب درست می‌کرد، خودش در یک سنگر می‌نشست و از تیربار استفاده می‌کرد. فرماندهان هم همین‌طور؛ برای اینکه بتوانند طرح عملیات را انجام بدهند که بر دشمن برتر باشند، از ابزار مهندسی استفاده می‌کردند. ... آرام آرام مهندسی پادگان‌سازی شکل گرفت. سپاه وارد کار شد، ارتش هم یک مهندسی کوچکی داشت، بعد هم مهندسی به‌خصوص پل و غیره وارد شد.

مهندس محمدرضا عطارزاده فرمانده یگان ۴۲ قدر قبل از پرداختن به نقش مهندسی در عملیات والفجر ۸ تاریخچه و فعالیت مهندسی را به‌صورت خلاصه به شرح ذیل بیان کرد:

«بخش عمده‌ای از کاستی‌هایی که در توان رزم نیروهای مسلح بود با ابزاری به نام مهندسی برطرف شد. بیمارستان صحرائی امام حسین^(ع) که با کانکس بود، به بیمارستانی بتونی در نزدیکی‌های ایستگاه حسینیه تبدیل شد. تفکر مهندسی در فرماندهان رسوخ کرد، در رزمندگان

* کارشناس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

سال پانزدهم □ شماره پنجاه و هشتم □ زمستان ۱۳۹۵ و بهار ۱۳۹۶

زمانی که عملیات رمضان انجام شد، متوجه شدیم که دشمن دیگر مثل فتح‌المبین و بیت‌المقدس یک زمین ساده برای ما نگذاشته که عملیات انجام بدهیم. یک زمین کاملاً پیچیده، فریب‌دهنده، سخت و مسلط بر ما بود تمام توانمندی ما که عملیات در شب بود با نیروی پیاده بسیج و سپاه، با این اقدامات دشمن تحت‌الشعاع قرار گرفت. آنجا دیگر متوجه شدیم که باید کارهای دیگری انجام بدهیم. همه مسئولان و فرماندهان آن دوران این را با همه وجود لمس کردند. زمانی که این اتفاق افتاد، فرماندهی آن دوره جنگ به‌دنبال راهکار افتاد. در اینجا بود که فرماندهان جنگ از سه عامل استفاده کردند. فرماندهی به این نتیجه رسید که ما باید غافلگیری را با همه حاشیه‌هایی که دارد اجرا کنیم. نمی‌شود ما باز عمل کنیم و دشمن بفهمد که چه کار داریم می‌کنیم؛ نمی‌شود به‌من‌ماه که شد نیروهایمان را بخواهیم و عملیاتی انجام بدهیم؛ و نمی‌شود یک تجمعی انجام بدهیم و شب برویم عملیات کنیم. همه کفر در پشتیبانی صدام قرار گرفته بود. همه دانش دفاعی و نظامی را پای کار آورده بودند. دشمن دانش مهندسی را هم آورد پای کار. اگر اینجا رزمنده‌ها بودند، آنجا شرکت‌های فرانسوی، اسپواتر و... بودند که آمدند در جاده‌ها و اتوبان‌ها طرح‌های مهندسی را اجرا کردند. بنابراین فرماندهان نیز شیوه پیاده رزمیدن رزمندگان اسلام را عوض کردند و با ابتکارات مهندسی طرح‌هایی را پیش‌بینی کردند که بتوانند بر دشمن پیروز شوند. عملیات والفجر مقدماتی یکی از باب‌هایی بود که ما آن موقع باز کردیم. هرچند این عملیات، عملیات خیلی سختی بود و معمولاً ذکر این عملیات که می‌شود یاد رزمندگانی که آنجا شهید شدند و اینها می‌افتیم،

تمهیدات مهندسی قبل از عملیات والفجر ۸

والفجر ۸ در یک مرحله انجام نشد. مهندسی [آتا پیش از جدی شدن انجام عملیات در شبه جزیره فاو] سه بار آنجا رفته و کارهایی کرده بود. این بار سوم بود که می‌رفت و چون اروندرود بین ما و عراقی‌ها بود عراقی‌ها فکر نمی‌کردند که این بار کارهای مهندسی که انجام می‌گیرد برای عملیات انجام می‌شود. همزمان اقدامات دیگری هم انجام گرفت که هم در شلمچه بود هم در جزایر مجنون. همه آماده عملیات بودند. از چندماه قبل تحت عناوین مختلفی اقدامات مهندسی برای آماده‌سازی عملیات والفجر ۸ انجام شد. از جمله طرح‌هایی که اجرا شد یکی جاده سیروند بود، یکی بازسازی جاده خسروآباد و یکی هم بازسازی جاده حاشیه بهم‌نشیر. این بسترسازی‌ها برای غافلگیرکردن دشمن، همه تحت عنوان آبادانی منطقه انجام می‌شد. از چندماه قبل، شاید از حدود یک‌سال، یک‌سال‌ونیم قبل این طرح انجام گرفت.

همین‌طور که ما به عملیات نزدیک می‌شدیم، مرحله‌به‌مرحله افراد زیادتر می‌شدند و به تعداد افرادی که می‌بایست از ماجرای تمهید یک عملیات بزرگ مطلع شوند تا هرکسی وظیفه خود را بر عهده گیرد، افزوده می‌شد.



مهندس محمدرضا عطارزاده فرمانده لشکر ۴۲ قدر مهندسی سپاه در دوران دفاع مقدس.

در والفجر ۸ تقریباً سازمان رزم سپاه سازمان مجری بود. سازمان مهندسی از یک سازمان صرفاً رزم مهندسی در سپاه تبدیل شده بود به یک سازمان رزم در جهاد، در سپاه و سازمان رزم مهندسی در دولت؛ پس توان مهندسی کاملاً وارد صحنه شد. این توان به سه شاخه تقسیم شد: یک منطقه عقبه بود، یک منطقه در شمال بهمنشیر بود و منطقه دیگر کارون بود. مهندسی باید همه این مناطق را مسلح می کرد. پس یک منطقه جزیره آبادان را داشتیم که این جاده‌هایی که الان کشیده شده یکی همین جاده خسروآباد بود که به‌عنوان سیل‌بند مطرح بود، آن موقع آب می آمد و تا مناطق مختلفی از جاده را آب می گرفت. بنابراین طرح کردند که این اقدامات برای آبادانی منطقه است. بیمارستان فاطمه زهرا^(س) اینجا (اشاره به نقشه) بود؛ تقریباً در پیچ جاده بود. از آن تحویلی که انجام گرفت ما توانستیم اینجا بیمارستان بسازیم که چند بار بمباران شد. باتوجه به تجربه‌ای که به دست آورده بودیم، همیشه برای طرح‌هایمان یک طرح تکمیلی داشتیم؛ یعنی زمانی که دشمن بمب‌های دو زمانه را به کار گرفت، اینجا یک لایه بتونی روی بیمارستان اضافه شد و زمانی که بیمارستان بمباران شد و بمب‌های دو زمانه به پایین نفوذ کردند، فقط یک قوس در سقف داروخانه یا آزمایشگاه فروریخت. توان رزم ما از آن بیمارستان کانکسی به بیمارستانی تبدیل شده بود که در برابر بمباران‌ها هم مقاوم‌سازی شده بود. فاصله بیمارستان تا خط مقدم هم که قبلاً حدوداً ۱۲۰ کیلومتر بود، در این عملیات به ۲۵ - ۲۰ کیلومتر کاهش پیدا کرده بود. این تحویلی که در مهندسی ایجاد شده بود، بر روحیه فرماندهان و رزمندگان نیز اثر مثبت بسزایی داشت؛ چون «... زمانی که فرماندهان ما مطمئن می شدند که بیمارستانی نزدیک خط ایجاد می شود، بنابراین تلفات خودشان را در عملیات کمتر می دیدند، محکم بودند یا تأثیر این توانمندی بر رزم رزمندگان هم بود. من اشاره‌ای داشتم در دافوس که روحیه خیلی مؤثر بود؛

مهندسی انفجار تخریب

یک بحثی را اینجا درباره مهندسی انفجار تخریب بگویم؛ ما در این منطقه میادین مین عمیق نداشتیم، مهم‌ترین مانع اصلی ما در مقابل دشمن به لحاظ فیزیکی خورشیدی‌ها بود. خورشیدی‌ها آرماتورهای ۱۲۰ سانتی‌متری بود که در هم تنیده شده بود و به صورت یک خورشید در آمده بود. عراقی‌ها سراسر منطقه را به این شکل پوشش داده بودند و مطمئن بودند هیچ

نیروی نمی‌تواند در این منطقه مستقر شود. یعنی طراحی پدافندی کرده بودند و خیالشان راحت بود که اینجا دیگر کسی نمی‌آید. پس ما مسئولیت داشتیم که اول ساحل دشمن را پاک‌سازی کنیم. همان‌طور که اشاره شد از نظر فیزیکی فقط خورشیدی‌ها و یک مقدار سیم‌خاردار بود. ابتکار بچه‌های تخریب این بود که

مهندس عطارزاده:

مهم‌ترین دغدغه فرماندهی عبور از اروندرود بود اولین وسیله عبور صفحه‌های پی.ام.پی بود، مرحله دوم ما استفاده از طارق‌ها بود و مرحله سوم استفاده از [صفحه] خضر بود.

۴ می‌بستند به اینها و منفجر می‌شدند، اینها را منهدم می‌کردند و می‌خوابیدند و عبور می‌کردند. مشکل غیرفیزیکی یا مانع غیرفیزیکی غیر از خود اروندرود که مانع غیرقابل عبوری تحلیل می‌شد، بحث باتلاق ساحل بود. ما در ساحل دشمن باتلاق کم داشتیم، ولی در ساحل خودی عرضش به اندازه تقریباً ۳-۴ متر جاهای کمتر بیشتر و گاهی به ۱/۵ کیلومتر هم می‌رسید. این مسیر جزرومد بود که تبدیل به باتلاق می‌شد. ما باید از این باتلاق‌ها عبور می‌کردیم. ما تجاربی

که طرح‌های مهندسی را اجرایی کنند؛ چون دیدند اگر انجام نگیرد، نه کار رزمندگان به درد می‌خورد و نه کار توپخانه اینجا دیگر همه جمع شدند و یک قرارگاهی ایجاد شد که آقای فروزنده فرمانده و آقای مبلغ، جانشین بود. این قرارگاه مسئولیت داشت که همه توان مهندسی کشور را بسیج کند تا توان سپاه و جهاد و دولت و حتی شهرداری‌ها وارد کار شد. این قرارگاه در سه حوزه، سه تا قرارگاه داشت؛ یک قرارگاه عقبه داشت که همین کارهای عقب را انجام داد که از کار جهاد و سپاه و دولت و وزارت دفاع - درحقیقت مهندسی وزارت دفاع - چند جلسه اول را انجام داد. این کار که انجام شد این منطقه واگذار شد به وزارت دفاع و در واقع دولت. باتوجه به اینکه مسئله عبور از اروندرود یکی از مسائل اساسی عملیات والفجر ۸ بود، آن تغییر سازمان پیاده ما در اینجا شکل گرفت. درحقیقت رزمندگان ما از عملیات زمینی و پیاده تبدیل شدند به غواصانی که در آب به خط بزنند؛ خط‌شکن‌ها و بعد رزمندگانی که باید با قایق می‌رفتند. در ادامه کار آن موقع کار پیاده شروع می‌شد و دوباره از آنجا تا مرحله انتقال تجهیزات می‌بایست انجام می‌شد. مهم‌ترین طرح ما عبور از اروندرود بود. بقیه قصه فاو، شبیه عملیات‌های دیگر است. باید تغییرات سپاه مسئولیت مستقیم عبور را بگیرد. البته این به این معنی نبود که همه از هم جدا باشند. مسئولیت‌ها تقسیم شد، ولی هرکسی هر توانی داشت در پشتیبانی آن سازمان بود. اولین کاری که ما باید انجام می‌دادیم این بود که از مانع اصلی اروندرود عبور کنیم. مانعی که در فرمول‌های نظامی علی‌الاصول عبور از آن نباید انجام بگیرد. توانمندی‌ها سر هم گذاشته شد و غواص‌ها به خط زدند.

نقش مهندسی سپاه در عملیات والفجر ۸

هدایت‌کننده سطح، قایق را می‌بردند. برای این کار جزرومد خیلی مهم بود. بهره‌گیری از جزرومد به‌شدت به حرکت مهندسی و عبور از اروند کمک می‌کرد و این بحث مهندسی بود. عبور انجام شد و شاید مهم‌ترین دغدغه فرماندهی که چگونه می‌خواستیم عبور بکنیم، مرتفع شد.

مرحله دوم ما استفاده از طارک‌ها بود و مرحله سوم استفاده از خضر. خضر یک صفحه ساده ساخته شده بود که حدوداً ۱۶ یا ۲۰ متری شبیه سه قطعه صفحه‌های PMP بود که به هم وصل می‌شد. منتها تهمیداتی شد به‌وسیله سیم بوکسل که تردد در این منطقه را انجام می‌دادند. یک یارد در منطقه‌ای درست کردیم که از آنجا وارد نهر کنیم که لب نهر بود. زمین ساخته شد یارد ما محکم ساخته شد و آنجا بوژی را از زیرش رها کردیم - با یک پیچش در نزدیکش - چون عمق منطقه زیاد نبود، زمین زمین محکمی بود و خاکش رس بود. این منطقه یکی از نهرهایی بود که هم PMP داشت، هم طارک داشت و هم بعد از آن پل آنجا بود. در اینجا ما با سه طرح [برای عبور از رود و انتقال نفرات و تجهیزات] موفق شدیم؛ اولین طرح استفاده از طارک‌ها بود، دومین طرح به‌کارگیری با صفحه‌های PMP و سومین طرح، طرح خضر بود که به‌وسیله بچه‌های جهاد طراحی و آنجا اجرا شد. -تردد حین عبور منفصل بهش می‌گویم- عبور اجرا انجام گرفت. شب سوم عملیات ما طرحمان آماده شد.

یکی از بحث‌های مهم در هدایت و فرماندهی این است که ابزار هر طرحی را از قبل آماده کنیم و بحث دیگر هم استفاده از مقدرات است و آنچه در دسترس است. در عملیات والفجر ۸ ما پل PMP را داشتیم، اما

در هور داشتیم؛ منتها کاملاً موضوع باتلاق هور و باتلاق اینجا با هم فرق می‌کرد. باتلاق هور باتلاقی بود که با قایق شناور می‌توانستی عبور کنی، ولی باتلاق اینجا در زمان جزر [که آب نبود] همه را گرفتار می‌کرد؛ از نفرات گرفته تا تجهیزات. طرح‌های مختلفی اینجا اجرا شد؛ طرح‌های فلزی، طرح‌های حصیری. از همه وسایل استفاده شد و این کار انجام گرفت. ولی مهم‌ترین کاری که اینجا می‌خواهم مطرح کنم نقش فرماندهی است.

عبور از باتلاق‌ها

ما بحثمان این بود که چه کار کنیم از باتلاق‌ها عبور کنیم. معضل قبل از عملیات این بود که ما ساحل را چه جوری خنثی بکنیم و تازه در ساحل خودی، چه مصالحی بیاوریم بریزیم. بچه‌های لشکر ۳۱ عاشورا صبح آمدند و همان شب خبر دادند که ما به یک طرح جدید رسیدیم و موفق شدیم، آن را هم انجام دادیم و ساحل را هم ساختیم. گفتیم چه کار کردید؟ گفتند مصالح ساختمانی را ریختیم روی باتلاق. این بهترین وسیله‌ای بود که توانستند باتلاق را خنثی کنند. نخاله ساختمانی را ریختند آنجا و توانستند یک ساحلی درست کنند که مشکلی نداشته باشد و موفق شدند که ابزاری درست کنند که اولاً فراوان بود، ثانیاً مشکل اساسی ورود به آب حل شد. از همین قاعده استفاده کردند و خروج از آب را هم حل کردند. چون مدت‌ها بحث این بود که ما برای ساحل دشمن چه کار کنیم. همین کار را هم آنجا انجام دادند و موفق شدند با اولین وسیله عبور که صفحه PMP بود و با قایق توانستیم تجهیزات سنگین خودمان بولدوزر، لودر و توپ ۱۰۶، را آن طرف بفرستیم. این اولین وسیله ما برای عبور از اروند بود. با قایق‌های



نفر سوم از راست مهندس محمدرضا عطارزاده از مسئولان مهندسی و فرمانده لشکر ۴۲ قدر، یادمان شهدای شلمچه، دی‌ماه ۱۳۹۴.

قواعد و فرمول‌های کلاسیک که ارتش هم به آنها اعتقاد داشت، می‌گفت پل PMP را در مسافتی بیش از ۲۷۰ متر نمی‌توان استفاده کرد. بنابراین پل‌های کلاسیک به درد نمی‌خوردند. تنها پلی که در اختیار ما بود پل هور بود؛ پلی که برای آب راکد ساخته شده بود و هیچ فشار جانبی نداشت. در عملیات خیبر نوع دیگری از این پل‌ها را ساختیم که به آن پل خیبری می‌گفتیم. قبل از عملیات والفجر ۸ پل خیبر را آوردیم و در منطقه مستقر کردیم. روش انتقال و استقرار هم بدین شکل بود که شب‌ها با تریلی منتقل و در نهر منطقه مستقر می‌کردیم. اما این پل به دلایل مختلف ضعف‌های زیادی داشت. منتها این نکته را بگوییم که تلاش دشمن این بود که ما نتوانیم ارتباطی از روی اروند برقرار کنیم. به همین منظور نیروی هوایی عراق برای اینکه اجازه ندهد روی رودخانه اروند پل بنزیم در هر روز ۴ سورتی پرواز انجام می‌داد. باوجوداین، شب سوم عملیات (۲۲ بهمن ۱۳۶۴)

پل ما آماده شد. همه تلاش تیم‌های مهندسی به کار گرفته شد تا ضعف‌های موجود برطرف شود و با کوشش فراوان مشکلات رفع شد و در نتیجه با کمک‌گرفتن از قایق‌ها و شن‌اندازها و... بالاخره موفق شدیم پلی که اساساً برای آب راکد ساخته شده بود، در آب جریان‌دار و جزرومددار مورد استفاده قرار گیرد. کار ساخت این پل تقریباً از اوایل شب عملیات با تصویربرداری از محل آغاز شد. تیم‌های مهندسی برای استفاده از شرایط رودخانه اروند و جزرومد آن باید بسیار دقت و مراقبت می‌کردند تا بتوانند از شرایط مد استفاده لازم را بکنند. اساساً استفاده از امکانات و مقدرات منطقه یکی از اصول مهم در فرماندهی است. بنابراین، نیروهای جهاد ابتدا به این فکر می‌کردند که چگونه می‌توان قطعات پل را به ساحل اروند انتقال داد. بنابراین با مطالعه و بررسی به این نتیجه رسیدند که با استفاده از جریان جزرومد این کار را انجام دهند. شیوه انجام کار هم به این شکل

این پل روی اروند باتوجه به اینکه باید از لوله‌های بسیار زیاد به‌عنوان سازه اصلی این کار استفاده می‌شد، آن هم در زیر بمباران‌های شدید، با مقاومت و ایستادگی نیروها بالاخره انجام شد. این پل پلی بود که تا آخرین روزی که نیروهای خودی در فاو مستقر بودند یعنی تا قبل از سقوط فاو مورد استفاده قرار گرفت. پل بعثت به‌گونه‌ای طراحی شده بود که علی‌رغم بمباران شدید و متعددی که انجام می‌شد، در هر بمباران فقط حدود یک متر از آسفالت‌های روی پل آسیب می‌دید که آن هم با ساده‌ترین عملیات بازسازی ترمیم می‌شد. پس از اینکه پل بعثت ساخته شد رزمندگان توانستند همه تجهیزات و ماشین‌آلات و... را عبور دهند.

مقاومت نیروهای رزمی - مهندسی و تأکیدات و خواسته فرماندهی کل سپاه در به‌ثمر رسیدن تلاش‌ها برای احداث پل بعثت نقش مهمی داشت. احداث این پل و برقراری اتصال بین شرق و غرب اروند برای تثبیت منطقه فاو، یک امر حیاتی بود. به همین دلیل یکی از خواسته‌های فرماندهی سپاه برقراری این اتصال بود. به‌هر حال، با تلاش نیروهای مهندسی اعم از بسیجیان مهندسی، مهندسی جهاد و سپاه، این خواسته تحقق پیدا کرد و تا زمان سقوط فاو برقرار بود.

یک جنگ عبور از آب داشتیم که در اینجا اشاره به آن خالی از لطف نیست. در عملیات والفجر ۸ زمانی که رزمندگان در خط درگیر بودند، دشمن همه عقبه‌ها را بست. به این شکل که هم پل‌های کارون و هم پل‌های بهمنشیر را بمباران کرد. یکی از کارهای مهندسی این بود که شب‌ها پل‌ها را برقرار کند تا تجهیزات موردنیاز منتقل شود و روزها پل‌ها را جمع کند. این اقدام هم به‌نوبه خود یک عملیات بسیار مهم بود که

در عملیات والفجر ۸ در مواقعی دشمن همه عقبه‌ها را می‌بست. به این شکل که هم پل‌های کارون و هم پل‌های بهمنشیر را بمباران کرد. یکی از کارهای مهندسی این بود که شب‌ها پل را برقرار کند تا تجهیزات موردنیاز منتقل شود و روزها پل را جمع کند.

مهندسی آنجا انجام دادند بحث بسیار مهمی است. یکی دیگر از اقدامات ویژه مهندسی کارهایی است که روی خور عبدالله انجام شد. خور عبدالله منطقه‌ای بود که عراق از آن عبور کرد و از ام‌القصر آمد پشت نیروهای خودی قرار گرفت و از آنجا رزمندگان را مورد هدف قرار می‌داد. بحثی که پیش‌تر مورد اشاره قرار

گرفت، یعنی شناخت استعداد و توان و استفاده از همه توان و استعداد موجود، در اینجا مصداق پیدا می‌کند. در خور عبدالله نیروهای مهندسی با طراحی‌هایی که انجام دادند، ۲/۵ کیلومتر اسکله پل احداث کردند. قبل از اینکه اسکله احداث شود، عقبه نیروهای خودی دائماً در تیررس دشمن بود و نیروهای عراقی با قایق می‌آمدند و شلیک می‌کردند و خاکریزهای نیروهای خودی را کاملاً ناامن کرده بودند. با احداث این اسکله، تیربارهایی را در این منطقه مستقر کردیم و تردد قایق را تقریباً به صفر

